

# روشن فکری یا نواندیشی دینی

گفت‌وگو با: سیدهادی خسروشاهی

اطلاعات: ش ۲۳۲۰۴، ۸۷/۳/۷

آقای خسروشاهی در این مقاله به بررسی «جریان روشن فکری در ایران» اشاره داشته و معتقدند که به طور کلی می‌توان تعاریف روشن فکر را در سه دسته خلاصه کرد: الف) روشن فکر کسی است که در پیدایش و نگرانی ارزش‌های والای انسانی در زمینه حقیقت و عدالت، نقش دارد. ب) روشن فکر تبیین‌کننده عقاید اصیل و صحیح در جامعه و ناقد وضع حاکم است. ج) روشن فکر آن عنصری است که با آگاه و از روی خرد، در توسعه و پیشبرد فرهنگ سودمند جامعه، فعالیت می‌کند. در واقع جریان نواندیشی دینی که به موازات خود، تحولات اجتماعی-سیاسی را همراه داشت، با پیدایش حرکت اصلاحی سید جمال‌الدین در ایران آغاز گردید و موجب تحولات عمیقی، نه تنها در ایران، بلکه در کل جهان عرب و اسلام شد. بعد از حوادث سیاسی سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ و سرکوب حرکت فدائیان اسلام که برای نخستین بار با نشر کتاب «راهنمای حقایق» خواستار تشکیل حکومت اسلامی بودند (۱۳۲۸)، جریان نواندیشی دینی در حوزه علمیه قم شکل گرفت. روشن‌فکران مسلمان در کشورهای عرب و اسلامی، در کل در طبقه‌بندی «حرکت‌های اسلامی معاصر» قرار دارند. در جریان آسیب‌شناسی این حرکت‌ها می‌بینیم که آسیب عمده این جریان‌ها در بلاد عربی و اسلامی، همکاری آنها با حاکمیت‌های غاصب و یا ائتلاف با احزاب لیبرال و حتی سکولار است که متأسفانه به‌رغم «تسامح» اینها و اعلام آمادگی برای همکاری، در عمل سرکوب شده و یا به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند و حتی این روش، موجب پیدایش گرایش‌های تندروانه بخشی از نسل جوان مسلمان این بلاد شده که آثار منفی تندروی و انحراف فکری آنها، نه تنها در بلاد اسلامی، بلکه در کل جهان قابل مشاهده است. به نظر نویسنده فرق اساسی بین حوزه‌های علمی شیعی با حوزه‌های سنی در این می‌باشد که متأسفانه برادران اهل سنت، حتی در الازهر «باب اجتهاد» به مفهوم واقعی آن را به‌رغم ادعا، بسته‌اند و هنوز حاضر نیستند که از چارچوب فتاوی «ائمه اربعه» خود خارج شوند. این بینش عملاً موجب استمرار «رکود» و «جمود» و سنت‌گرایی غیرمطابق با زمان و مکان، در میان اغلب علمایشان شده است؛ ولی در حوزه شیعه مفتوح بودن باب اجتهاد، مسیر اندیشه را بازتر می‌کند و به مجتهد اجازه و امکان می‌دهد که حتی در مسایل فرعی فقهی مسلم و قطعی، به «مصلحت» روز بیندیشد و احکام را ولو با «عناوین ثانویه» تغییر دهد. جریان روشن فکر واقعی حوزوی، باید با توجه به مقتضیات زمان و مکان، مسایل مورد نیاز جامعه را در همه سطوح با دقت و همکاری جمعی و دوری از تحریک عناصر مخالف، با استناد به «محکامات آیات» و «مسندات روایات» بررسی و تبیین نماید و نسل جدیدی را که در حوزه‌ها حضور می‌یابند، با

بازتاب اندیشه ۹۹

۸۴

گزارش‌ها

این روش تربیت کند تا در درازمدت از آسیب‌های عمده‌ای که حتی ممکن است براساس دین و ایمان و زندگی مردم وارد شود، بکاهند. به نظر نویسنده بستر اصلی لغزش با انحراف در جریان روشن‌فکری حوزوی، بی‌سوادی و عدم آگاهی و فقدان تسلط بر علوم اسلامی است. آشنا ساختن نسل جدید حوزه‌های علمیه با مسایل روز و آگاهی بختیدن به آنان و آموزش علوم جدید و زبان‌های معروف ملل دیگر و در اختیار قرار دادن کتاب‌های جدیدی که درباره اسلام در جهان اسلام چاپ و منتشر می‌گردد، آماده ساختن مقدمات استفاده عام‌تر از وسایل ارتباط جمعی - حتی ماهواره‌ها راه درستی برای بیداری، هوشیاری و در نتیجه پیشبرد جریان نواندیشی یا روشن‌فکری دینی در حوزه‌ها خواهد بود. ولی توسعه این امر، خطرهای جدی هم در مورد تزلزل فکری کسانی دارد که هنوز از لحاظ تحصیل علوم اسلامی و شناخت عمیق مفاهیم دینی و معارف فقه، به مرحله لازم کمال نرسیده‌اند، انحراف‌های فکری بعضی‌ها که در گذشته و یا امروز متأسفانه شاهدش هستیم، عمدتاً ناشی از همین نقطه «آسیب‌پذیری» این‌گونه افراد است. در واقع علل گوناگونی از جمله عدم شناخت کامل ایدئولوژی اسلامی، هوس سلطه‌جویی، فرصت‌طلبی، انحصارگرایی، تمامیت‌خواهی و در کل، عدم تعمق اعتقادات و باورهای اصول ثابت دینی، عامل اصلی در انحراف این نوع گروه‌ها و جریان‌ها است. از سوی دیگر، در مواردی سرخوردگی عناصری از این جریان‌ها و این‌که به‌رغم فعالیت‌های درازمدت نتوانسته‌اند به هدف مورد ادعا برسند، آنها را وادار به جدایی و انشعاب و تشکیل سازمان‌های ویژه‌تند رو کرده است.

گزارش‌گر: ابوالفضل حسینی

## دین در تلقی امام خمینی

همایون همتی

تهران امروز، ش ۴۳۱، ۱۳/۳/۸۷

در این مقاله آقای همتی به دین و کارکردهای آن از دیدگاه امام خمینی اشاره کرده است. وی «فریدریش ماکس مولر» را مؤسس این دانش می‌داند که در یک قرن و نیم پیش این دانش را تأسیس کرد. در میان متکفران غربی و محققان اروپایی بیشترین تعریف از دین مبتنی بر ارائه تلقی‌ای کاملاً شخصی و خصوصی از دین است. در این میان امام خمینی دین را تنها امری فردی و مربوط به مقوله رستگاری اخروی نمی‌داند، بلکه او را حقیقتی ذوابعاد و دارای اضلاع کثیر و متعدد می‌داند که هم ابعاد معرفتی و شناختاری دارد و هم ابعاد نظری، عملی، مناسکی و هم پیوندی وثیق و استوار با سیاست، فرهنگ، جامعه و هم زندگی اجتماعی دارد.

آقای همتی طبق نظر امام خمینی بیان می‌دارد گرایش به دین امری فطری در وجود آدمی است. امری سرشتی و ساختاری، ریشه‌دار، ماندگار و همیشگی که می‌تواند البته مورد تجاهل،